



ساعت صفر

ضمیمه نوجوان

شماره ۱۱۹ | ۲۱ مهر ۱۴۰۲

نوجوان
جام



حسین
شکیب راد

پدیده هواداری چگونه زندگی خیلی

دوست می‌دارد

الان را نگاه نکنید که طرفداری و هواداری یک تیم یا گروه یا شخص آنقدر هستند اشاره می‌کنند. چون ممکن است گول بخورید و فکر کنید هوادار اسعد گرگانی نگاه کنید که در قرن پنجم هجری قمری سروده است، و هواخواهش نه کم بود. حالا می‌توانید بروید سراغ پرونده ای که بر شماست.



نیمه‌نهایی جام جهانی سال ۱۹۸۲ بی‌جهت روی سر مهاجم تیم فرانسه پرید و سه تا از دنده‌های او را شکست. یا مثلاً ضربه معروف سر زین الدین زیدان به سینه ماتراتزی، مدافع ایتالیا در فینال جام جهانی ۲۰۰۶. اگر وقت نداشتید کافی است بروید پای درد دل فوتبال‌لیست‌های حرفه‌ای، و خب طبیعی است که این نبرد، نیازمند سرمایه است و بدون وجود هوادار، کسب درآمد حتی هزینه از جیب حکومت، توجیهی ندارد.



خیلی‌ها با شنیدن کلمه گلابیاتوریاد راسل کرو و بازی بی‌نظیرش در فیلمی با همین عنوان می‌افتند و احتمالاً اگر کمی هم اهل مطالعه باشند می‌دانند که گلابیاتورها مبارزان مسلحی بودند که در زمان امپراتوری روم، برای ایجاد زمینه تفریح پادشاهان، به انجام مبارزات تن‌به‌تن و خشونت‌آمیز با دیگر گلابیاتورها، حیوانات وحشی و همین‌طور جنایتکاران محکوم به مرگ می‌پرداختند و البته باید در این رقابت یا می‌کشتند یا کشته می‌شدند. این رقابت‌ها هم در مکانی به نام کلوسیوم انجام می‌شد که چیزی شبیه به استادیوم‌های فوتبال امروزی بود.

بله، باید با شنیدن گلابیاتوریاد برخی صحنه‌های خشن ۱۱ مرد مبارز در میدان فوتبال هم افتاد. آنها هم گاهی تا پای جان برای بیرون کردن رقیب از گردونه مسابقه پیش می‌روند. و اگر خواستید بگویید که نه، فوتبال آن خشونت را ندارد کافی است به چند صحنه معروف در تاریخ فوتبال مراجعه کنید. مثلاً وقتی هارولد شوماخر، دروازه‌بان آلمان در رقابت

البته باید بپذیریم که تماشاچیان و بینندگان ورزش، به خصوص فوتبال، در دنیای معاصر دارای جایگاه خاص در بین مردم هستند و با توجه به حجم جمعیتی که هر هفته برای دیدن مسابقات و رقابت‌های ورزشی به استادیوم‌ها و مراکز ورزشی روی می‌آورند یا از طریق رسانه‌های گروهی، مطبوعات، اینترنت، رادیو و تلویزیون، اخبار و فعالیت‌های ورزشی را دنبال می‌کنند، به عنوان یک پدیده اجتماعی گسترده و بزرگ تلقی می‌شوند.

اما سؤال اینجاست که چرا زمینه برای ورود خود این افراد به دنیای ورزش فراهم نیست. چرا بیشتر از این که مدارس فوتبال یا ورزش‌های پایه‌ای تری مثل کشتی و دو و میدانی و حتی تیراندازی گسترش پیدا کند، جیب تعدادی فوتبال‌لیست و برخی چهره‌های ورزشی دیگر، چاق‌تر و چاق‌تر می‌شود. آن هم فوتبال‌لیست‌هایی که در کل، ورزشکارهایی که اگرچه شهرت‌شان را از یک رقابت شبه‌گلابیاتوری و البته با حمایت‌های دولتی و هواداران‌شان به دست آورده‌اند، هر لحظه ممکن است موضع‌شان نسبت به کشورشان و هم‌میهنان‌شان هم تغییر کند یا دست به مهاجرت بزنند یا زمینه‌ساز آشوب در میان مردم جامعه شوند.

آن وقت ما هم هرچه بر سر نوجوان بیچاره فریاد بکشیم که بیا و به جای طرفداری از یک تیم یا یک ورزشکار، خودت کمر همت ببند و ورزش حرفه‌ای را دنبال کن، جواب می‌شنویم که کوا امکانات؟ کوا حمایت؟ کوا فضای مناسب برای ورزش؟ و حتی کوزنگ ورزش درست و درمان در مدرسه؟!



طرفداری از یک نفر فقط به ورزشکارها خلاصه نمی‌شود. علاقه‌مندی برخی دختران یا پسران به یک بازیگر، خواننده یا مجری، گاهی تا جایی پیش می‌رود که زندگی عادی او را تحت الشعاع قرار می‌دهد و حتی ممکن است از آنها بشنویم که دوست دارند با او ازدواج کنند. نمی‌دانم شما هم درگیر علاقه به هنرمندان شده‌اید یا نه و هرچند ممکن است این موضوع از نظر بسیاری از مردم خنده‌دار به نظر برسد و این افراد را به سخره بگیرند اما باید بپذیریم که آنها واقعاً درگیر چنین علایقی شده‌اند. و در کمال صداقت خود این افراد اعتراف می‌کنند که این دلبستگی فقط به دلیل ظاهر و رفتارهای ظاهری طرف مقابل در دل‌شان شکل گرفته و آنها بدون هیچ شناختی از خانواده و شخصیت طرف مقابل، عاشق او شده‌اند.

مسئله این نیست که حالا باید برویم یقه آن نوجوان را بگیریم که چرا به چنین کسی دل بسته‌ای؟ مسئله این است که بدانیم چطور داریم سلبریتی‌سازی می‌کنیم و چطور افراد را در معرض چنین علاقه‌مندی‌هایی قرار می‌دهیم. مثلاً وقتی سینمای ما به اذعان خود پیشکسوتانش، مسیری غلط برای فرصت دادن به چشم‌سبزها و خوش‌چهره‌هایی داد که اساساً استعداد عجیبی هم در بازیگری ندارند، یا وقتی دنیای تبلیغات ما پر شده از پوسترها و تیزرهای عجیب و غریب از این چهره‌ها و زمانی که گیشه سینما، روز به روز سرمایه این افراد را بیشتر و بیشتر می‌کند و چهره‌ای موفق از آنها به نمایش گذاشته می‌شود، دیگر انتظاری هم نباید از نوجوان داشته باشیم که این ظاهر فریبنده را رها کند و به پشت پرده زندگی سلبریتی‌ها هم بپردازد. اگرچه در دنیا، افرادی هستند که حتی برای پشت صحنه هنرمندان تحت نظارت‌شان هم برنامه دارند.



به قول شاعر، دیوانه‌ها آدم به آدم فرق دارند. مناسبت سال تولد او برایش ۱۹۷۷ شاخه گل خبر شود، ساعت‌ها وقتش را صرف اداره یک علاقه‌اش می‌کند.

شایان یک نوجوان ۱۶ ساله است که یک صفحه با فیلترینگ برخی شبکه‌های اجتماعی وضع رو ندارد به ما می‌گوید: «من عاشق بازی او شدم و صدا و... اما وقتی طرفدار کسی هستی، چشم همه بدی‌ها و مشکلات او می‌بندی. بهتر بگویم اونمی‌بینی. شخص‌برای من هیچ وقت اتفاقی افتاد که دیگر طرفدار بازیگر مورد علاقه‌ام نباشم. برای همه این‌طور نیست.»

او معتقد است خیلی‌ها اگر ببیند کسی که طرفدار می‌کند یا به اصطلاح فن پیچش شده‌اند، نه داده، آنها دیگر طرفدارش نیستند اما من زیادی را می‌شناسم که وقتی خواننده محبوب دست از طرفداری‌اش بر نمی‌دارند.